

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۶

تاریخ پذیرش: ۹۸/۷/۱۷

فصل نامه علمی - پژوهشی عصر آدینه

سال یازدهم، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۹۷

## مضامین ادبیات آخرازمانی مسیحیت همزمان با ظهور اسلام

محمدصادق احمدی<sup>۱</sup>

احمدرضا مفتاح<sup>۲</sup>

### چکیده

کامل ترین مجموعه پژوهشی که به بررسی روابط مکتوب فیما بین جهان اسلام و مسیحیت پرداخته است، پروژه روابط مسیحیت - اسلام با عنوان اختصاری CMR می باشد که توسط دانشگاه بیرمنگام و با مشارکت محققانی از سرتاسر جهان انجام شده است. در نوشته پیش رو با روش متن پژوهی با رویکرد هرمنوتیک تاریخی، الگوهای حاکم بر این مکتوبات با تاکید بر تفاسیر آخرازمانی ناظر به ظهور اسلام مورد توجه قرار گرفته و با تحلیل محتوای کیفی بیش از سیصد نوشته طی چهار قرن اولیه بررسی شده است. در این نوشته جات آخرازمانی، اسلام یا به عنوان دسیسه یهود، یا به عنوان دینی منجی در نظر گرفته شده که جهت رهایی مسیحیان از ستم کلیساهای رسمی ظهور کرده است و یا دینی مهاجم که مطابق با نبوت ها جهت تنبیه مسیحیان که تحت تأثیر فرهنگ رومی به دین خود مقتید نیستند، صاحب قدرت شده است. در یک گونه دیگر اسلام نه دینی منجی است و نه به عنوان برنامه مجازات است، بلکه مطابق پیشگویی ها جهت فراهم نمودن مقدمات نجات نهایی و ظهور مسیح در نظر گرفته می شود.

### واژگان کلیدی

روابط کلامی، پروژه CMR، مکاشفات آخرازمانی، مسیح.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول) (ms.ahmady@yahoo.com).

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب (meftah555@gmail.com).

در رابطه با روابط اسلام و مسیحیت تقسیم‌بندی‌ها و نظریه‌های مختلفی ارائه شده است که عمدتاً با توجه به بعد یا برشی خاص طرح می‌شوند مانند تقسیم چهارگانه رنارد از دوره‌های روابط اسلام و مسیحیت (Renard, 2011: xvii-xxvi).<sup>۱</sup> برخی نیز مانند فریدمن که در رابطه با اطلاعات حدیثی و قرآنی مرتبط با نگرش مسلمانان نسبت به غیرمسلمانان پژوهش‌هایی داشته، بر این باور است که مسلمانان روابطشان با غیرمسلمانان بردوگانه مدارا/ عدم مدارا براساس وضعیت‌های تاریخی که مواجهه در آن صورت گرفته تنظیم کرده‌اند (Friedmann, 2003: 32-33).<sup>۲</sup> البته این نظریه نیز بدون توجه به قرائت‌های اسلامی است چنان‌که قرائت اسلامی تکفیری همواره دریافت‌های اسلامی مبتنی بر مدارا را رد کرده است (Bennett, 2008: 114).<sup>۳</sup> این امر در مسیحیت بنیادگرا نیز مشهود است. مسیحیت بنیادگرا حتی نهضت فمینیسم، شیطان، ارتداد مذهبی، نظم نوین جهانی و یا حتی اومانیسم سکولار و... را دشمن خود می‌خواند (Herriot, 2009: 9).<sup>۴</sup> در میان مسیحیان بنیادگرا باور به منحصر به فرد بودن مسیحیت در میان ادیان است که موجب مشروعیت تبلیغ این دین در میان سایر ادیان می‌شود و پیروان سایر ادیان از جمله اسلام در ظلمت بی‌ایمانی و بی‌اعتقادی ترسیم می‌شوند (ریچاردز، ۱۳۸۳: ۲۰۱-۲۰۲).<sup>۵</sup> صرف نظر از این رویکردها، به استثناء پروژه تاریخ کتاب‌شناختی دانشگاه بیرمنگام، بررسی جامعی که به روابط اسلام و مسیحیت از بعد کلامی پرداخته و به معنای واقعی کلمه جامع باشد و تمامی قرائت‌ها و جغرافیای کاملی از اسلام و مسیحیت را در بگیرد، انجام نشده است.

تاریخ کتاب‌شناختی روابط مسلمان مسیحی که به همت دیوید توماس و جمعی از محققان از سرتاسر دنیا به گردآوری تمامی مکتوبات فی‌مابین مسلمانان و مسیحیان پرداخته

1. John, Islam and Christianity: Theological Themes in Comparative Perspective, California: University of California Press
2. Yohanan, Tolerance and Coercion in Islam: Interfaith Relations in the Muslim Tradition, NY, Cambridge University Press
3. Clinton, Understanding Christian-Muslim Relations: Past and Present, New York, Continuum
4. Peter, Religious Fundamentalism-Global, Local and Personal, Routledge
۵. (گلن، رویکردهای مختلف به پلورالیزم دینی (به سوی الاهیات ناظر به همه ادیان)، ترجمه رضا گندمی نصرآبادی و احمد رضا مفتاح، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان مذاهب، ویرایش دوم).

است (Thomas and Chesworth, 2018: xi)<sup>۱</sup>، با تمرکز بر روابط کلامی، نوشته‌هایی که مستقیماً با رویکرد کلامی تألیف شده‌اند و یا جهت‌گیری‌های کلامی در آنها مستتر بوده را گردآوری کرده است. بررسی متن این نوشته‌ها و گزارشاتی که در این پروژه از آنها ارائه شده است بیانگر چگونگی روابط میان مسلمانان و مسیحیان طی تاریخ مواجهه مکتوب پیروان این دو دین است.

ادبیات رازورزانه و رمزآلود که در مواردی بر مکاشفات و متون پیشگویان و آخرالزمانی نیز مشتمل است، همواره در میان مکتوبات دیده می‌شود، اما بسته به منطقه جغرافیایی و تفسیر از متون دینی میزان کاربری آن تغییر می‌یابد. در این رویکرد ادبیات رمزآلود لزوماً به متون مقدس مکاشفه‌ای و پیشگویانه منحصر نیست، چنان‌که در نامه‌های رد و بدل شده میان روحانیون و مؤمنان از هر دو سواز این متون استفاده شده تا دین مقابل که قدرت سیاسی و نظامی را در اختیار دارد، از محتوا و مضامین رویکردهای مضمردر این ادبیات رمزآلود بویی نبرد.

با احصاء مکتوبات فیما بین مسلمانان و مسیحیان در طول بیش از چهارده قرن، یکی از ادبیات‌های رایج کلام مسیحی نسبت به اسلام، ادبیات نفی اسلام به عنوان دین حق و نجات‌دهنده بوده است. با بررسی دقیق محتوای مکتوبات جدلی و کلامی مسیحی ناظر به اسلام، روشن می‌شود که کلام مسیحی یا در کنار نفی اسلام به بیان علل نفی پرداخته و خاستگاه‌های نفی را با تکیه بر ادله نقلی، شهود (در قالب مکاشفات) و ادله عقلی بیان کرده است و یا این‌که به جهت رقابت با اسلام به نفی کلی بسنده نموده و سپس به تطبیق و پذیرش دین جدید روی آورده است.

در رابطه با منابع کهنی که به مکاتبات مسلمانان و مسیحیان می‌پردازند، مطالعاتی انجام شده است که می‌توان جامع‌ترین این مطالعات را، پروژه کتاب‌شناختی روابط مسیحیت و اسلام به سرویراستاری پرفسور دیوید توماس دانست. در این پروژه نخست زندگی‌نامه علمی و فرهنگی مؤلف آثار و مکتوبات جدلی و کلامی گردآوری شده و در ادامه گزارشی انتقادی از متن اثر روایت شده که از تلاش‌های سایر محققان در سال‌ها و حتی سده‌های گذشته نیز بهره برده شده است. در ادامه نیز مشخصات نسخ مختلف و ترجمه‌ها و سایر اطلاعات کتاب‌شناختی ارائه شده است.

1. David John, *Christian-Muslim Relations. A Bibliographical History*. Volume 12, Brill

پروژه CMR در دپارتمان الهیات و دین دانشگاه بیرمنگام با استفاده از اساتید متخصص تاریخ روابط اسلام و مسیحیت با تمرکز بر حوزه نوشتاری در سطح جهان را مورد بحث و بررسی قرار داده و درصدد است تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد که بر سر روابط اسلام و مسیحیت در دوره سال‌های ۶۰۰ تا ۱۹۱۴ چه آمده است؟ به طور خاص ایشان از یکدیگر چه روایت‌هایی عرضه کرده و از هم چه نوشته‌اند و مسیحیان و مسلمانان بعدی نیز تا کجا به این میراث پایبند مانده و چقدر از آن فراتر رفتند؟  
 (www.birmingham.ac.uk)

بررسی مکتوبات نشان می‌دهد که مسیحیان در سال‌های اولیه ظهور اسلام به علت قدرت اسلام و حضور اسلام در جامعه، از ابراز مخالفت علنی خود ابا داشتند و جهت بیان مخالفت خود نسبت به اسلام عمدتاً از ادبیات مکاشفه‌ای بهره برده و در این بیان رازآلود ضمن تاکید بر الهی نبودن دین اسلام، آموزه‌های الهیاتی مسیحیت را به مخاطبان خود القا می‌کردند. بررسی این متون نشان داد که عمده متونی که از جانب مسیحیان با ادبیات مکاشفه و آخرالزمانی نوشته شده است، در ضمن نفی اسلام، یا آن را به عنوان برنامه نجات خداوند از آزار و شکنجه کلیسای رسمی در نظر گرفته است، یا آن را ابزار شکنجه خداوند برای قوم ناسپاس و فاسد عنوان کرده و یا اسلام را پیشاهنگ ظهور مسیح معرفی کرده است.

جهت دستیابی به مضامین پنهان در متون مکاشفه‌ای که در مجموعه روابط مکتوب فیما بین اسلام و مسیحیت وجود دارد، با مراجعه به سه جلد نخست از این پروژه و متن پژوهی با رویکرد هرمنوتیک تفسیری به بازخوانی متون مبادرت شده و به تحلیل محتوا و استخراج الگوهای کلان پرداخته و مضامین مضمردر آن استخراج شد. از آن جا که متون موجود در پروژه CMR توسط نویسندگان مختلف و تحت شرایط گوناگون جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متفاوتی تهیه شده‌اند، بنابراین اتخاذ روش‌های دیگر مانند روش تحلیل محتوا و یا روش‌های کمی، هدف مورد نظر از این پژوهش را به دست نمی‌داد، بنابراین با تکیه بر روش هرمنوتیکی و با رویکرد کل‌نگر و ترکیبی به مفاهیم نظری که در سرتاسر این متون جاری بود توجه شده و با کاهش داده‌ها و تعیین مفاهیم ذیل الگوهای کلان و سپس دسته‌بندی آنها مفاهیم عمده به دست آمد.

## اسلام به عنوان برنامه نجات خداوند

در این قرائت به جای نفی صریح اسلام، تفسیر ویژه‌ای از اسلام ارائه می‌شود که طی آن شرایط سخت مؤمنان مسیحی توصیف می‌شود که توسط حکومت‌های منطقه و یا توسط سایر قرائت‌های رسمی مسیحی تحت شکنجه قرار دارند. در این وضعیت ظهور دین اسلام و قدرت یافتن اعراب مسلمان در این جهت تبیین می‌شود که قدرت ایشان موجب برداشته شدن عذاب قبلی و آرامش یافتن مؤمنان است چرا که در شرایط جدید مسیحیان به عنوان مؤمنان اهل کتاب خوانده می‌شوند که صرفاً بایستی مالیات مضاعف (جزیه) بدهند و از سایر حقوق اجتماعی برخوردار هستند. در این دسته از مکتوبات مسیحیان بر این باورند که ایشان در کتاب مقدس مسلمانان به شکل کامل مورد تایید و احترام هستند و هنوز از مخالفت‌های صریح قرآن با دگم‌های الهیاتی خویش آگاهی ندارند. یکی از عرصه‌های بروز و ظهور این رویکرد، گزارشات موعظه‌های شبانی است که برای تقویت ایمان مؤمنان به کار گرفته می‌شود. در این دسته از مکتوبات، گاهی ممکن است برخی مقدسات اسلام نیز نفی شود که این امر بسته به میزان آشنائی و آگاهی مسیحیان از اصول الهیات اسلامی شدت و ضعف دارد. گاهی نیز این الگوی ارتباطی در قالب مکاشفه و ادبیات آخرالزمانی استفاده شده است. چنان‌که ویلیام از مالمزبری<sup>۱</sup> راهب قرن دوازدهمی که چند نوشته راجع به اسلام دارد و یا در برخی مکتوبات راجع به اسلام نیز نوشته است، در کتاب *تفسیر مرثی ارمیا*<sup>۲</sup> دو مرتبه از مسلمانان یاد کرده است.

جان تولان در توصیف این اثر به بررسی این دوا رجاع به اسلام پرداخته است که شاهدهی بر رویکرد انکاری و در عین حال مطرح شدن اسلام به عنوان برنامه نجات خدا است. جان تولان در این رابطه آورده است:

نخست این‌که گرچه فرق مختلف مسیحی و یهود و ساراسن‌ها درباره خدای پسر توافقی ندارند اما همگی راجع به خدای پدر توافقی دارند و در قلب خود بدو احترام نهاده و با او سخن می‌گویند. در مرتبه دوم نیز در مرثی ارمیا ۱: ۱۴ می‌نویسد که خداوند به ساراسن‌ها و ترک‌ها اجازه داد که بر سرزمین‌های

1. William of Malmesbury  
2. Super explanationem Lamentationum Ieremie prophete, Commentary on the Lamentations of the prophet Jeremiah

مقدس نائل شوند تا مسیحیان را به خاطر گناهان شان مجازات نماید. در حقیقت ویلیام برتوکید یهودی و اسلامی تاکید کرده و بیان می‌کند که مسلمانان نیز، دست کم در مورد خدای پدر، همان خدای مسیحیان را می‌پرستند. از سوی دیگر ترک‌ها و ساراسن‌ها در نقشه خدا همان نقش نبوکدنصر<sup>۱</sup> را بازی می‌کنند که عبارت است از مجازات مؤمنان مسیحی به خاطر گناهان شان (Thomas and Mallett, 2011:487).

ادبیات این متن گرچه انکاری است اما نزدیکی‌هایی نیز به مسلمانان دارد و پذیرش نسبی دارد در این که می‌پذیرد ایشان همان خدای پدر را می‌پرستند و اساساً مشرک نیستند و از سوی دیگر در برنامه و نقشه نجات خدا به ایفای نقش می‌پردازند. این الگو در امتداد خوانش مسیحی یهودی از طرح خلقت و نجات انسان و دخالت مستقیم خداوند در ربوبیت و سرنوشت مؤمنان ترسیم می‌شود، و قابل بازیابی در مواجهه با سایر امواج تهاجمی علیه جهان مسیحیت می‌باشد، چنان که در مبارزات و مواجهات شرق اروپا نیز به وفور دیده می‌شود. همین الگوی مبارزاتی و بازگشت به گذشته را می‌توان در متونی که در میان مسیحیان گرفتار در میان فرق افراطی مسیحی، رد و بدل می‌شود نیز یافت چنان که در ادبیات مسیحیان شرقی و مجاور جهان اسلام نیز این الگو دیده شده است.

برای استشهاد به این دسته از متون بایستی به تمامی مضامین نهفته در آن توجه داشت به این معنا که به کار رفتن عبارت «ساراسن» و «ترک» برای اشاره به مسلمانان و هم‌چنین تشبیه ایشان به نبوکدنصر جهت اثبات الگوی انکار کفایت می‌کند. اما این مضمون نیز در این متن نهفته است که مسلمانان در برنامه نجات خداوند مشارکت داشته و در خدمت مؤمنان مسیحی هستند.

### اسلام به عنوان ابزار مجازات

در گام بعدی دریافت کلامی دیگری از مسیحیان نسبت به مسلمانان شکل گرفته است که ایشان را درون برنامه خداوند جای می‌دهد اما نه به عنوان ابزار مثبت بلکه به عنوان نیروی اهریمنی که برای مجازات مسیحیان به سبب گناهان شان در نظر

1. Nebuchadnezzar

گرفته شده است. این مجازات گاهی به سبب روابط خارج از عرف مسیحیان با همین مسلمانان و گناهمانی از این دست است مانند مصرف قربانی مسلمانان، ازدواج زنان مسیحی با مردان مسلمان، مشارکت در مهمانی‌ها و مراسمات دینی و... (Thomas and Roggema, 2009:158-159) و گاهی به سبب گناهمانی است که مسیحیان پیشتر در برابر خداوند مرتکب شده و به شکنجه و آزار قرائت‌های مختلف مسیحی و ورود عناصری از شرک در کلیسای مسیحی منجر شده بود.

هرالد سورمن<sup>۱</sup> در بررسی متنی مرتبط با دوره ظهور اسلام با نام «مکاشفه افرایم جعلی»<sup>۲</sup> که در سال‌های ظهور اسلام در سوریه ایراد شده است، به خوبی عنصر آخرالزمانی بودن متن، توهین به مقدسات مسلمانان و انتساب اسلام به شیطان را به همراه الهیات رنج، توأم با یکدیگر نشان داده است. سورمن در توصیف این متن نوشته است:

مکاشفه مذکور که به زبان سریانی نوشته شده است، پیش از هجوم مسلمانان آغاز شده و در فصل مربوط به اعراب ایشان را قومی می‌داند که پیش از فرارسیدن آخرالزمان از بیابان‌ها ظاهر شدند و نشانه‌ها شدن ماجوج و بازسازی امپراتوری روم و آمدن ضد مسیح در آخرالزمان هستند. اعراب از نسل هاجربه ابراهیم عليه السلام منسوب می‌شوند و پیام‌آوران ضد مسیح قلمداد می‌شوند که البته کشور را ویران می‌کنند اما جاده صاف‌کن‌هایی هستند که ناخواسته مسیر آمدن مسیح را هموار می‌کنند. نویسنده اعراب مسلمان را بلایی از سمت ارتش شیطان می‌شمارد که برای مجازات مسیحیان مؤمن آمده‌اند و نشانه‌های آخرالزمانی ضد مسیح را به آنها نسبت می‌دهد (Thomas, and Roggema, 2009:160-161).

در مکاشفه آتاناسیوس جعلی<sup>۳</sup> نیز موعظه‌ای آخرالزمانی روایت می‌شود که یکی از مهم‌ترین مضامین نهفته در آن تأکید بر این امر است که اسلام جهت مجازات مسیحیان فاسد آمده است. متن، موعظه‌ای خطاب به روحانیان و راهبان مصر بوده و تلاش دارد تا وضعیت قبطیان را در دوره خلافت اموی تبیین کند. نویسنده معتقد است جهان در حال مجازات است چرا که راهبان و کشیشان با افعال و گفتار فاسد خود مردم را به سمت گناه سوق دادند. به باور این مکاشفه پس از شورای کالسدون تمامی کلیساها

1. Harald Suermann

2. The Apocalypse of Pseudo-Ephrem

3. The Apocalypse of Pseudo-Athanasius (Modern title)

گمراه شدند جز کلیسای میافیزیت مصر.

برند ویت<sup>۱</sup> در توصیف این متن می نویسد:

نویسنده تاریخ خود را با رویکرد مکاشفه آخرالزمانی و با دلالت به نشانه‌های کتاب مقدسی تدوین کرده است. او توالی چهار امپراتوری را در ارتباط با الگوی چهار جانور دانیال (۷:۱-۲۷) آورده است. جانور نخست امپراتوری روم است، جانور دوم امپراتوری بیزانس. پس از این امپراتوری تنها کلیسا راستین کلیسای قبطی مصر است و خدا برای مجازات امپراتوری فارس را به عنوان سومین جانور ظاهر کرد و به سبب گستاخی و از حد گذاشتن جفای امپراتوری فارس خداوند به زودی حکومتشان را زایل نمود و در نهایت نوبت به چهارمین جانور رسید که حکومت اعراب بود و از سایر جانورهای گذشته بیشتر به جلورفت. اما بخاطر گناهان کشیشان و راهبان مردم قبطی به گناه آلوده شدند و به ایمان حقیقی بازنگشتند و در نتیجه خدا برایشان حکومت ظالمان و بلایای طبیعی را فراهم آورد و ابتدا از مصر آغاز کرد تا به تمام جهان برسد. این درد زایمان پایان کار است که با سلطه ضد مسیح ادامه یافته و با قضاوت نهایی خاتمه می‌یابد. ادبیات متن مکاشفه‌ای و آخرالزمانی است و در صدد بیان فلسفه تاریخ و آینده‌شناسی نیست بلکه می‌خواهد مخاطبان را به رفتار و افکارشان توجه بدهد. بنابراین در ابتدا تصویری از کلیسای مطلوب ترسیم می‌کند و در ادامه نقدهای خود را به وضعیت کلیسای قبطی مصر تحت حکومت اموی ارائه می‌دهد. او راه حل را تغییر رفتار و افکار راهبان و کشیشان عنوان می‌کند تا وضعیت جامعه مسیحی و کلیسای قبطی دگرگون شود (Thomas, and Roggema, 2009:275-277).

نویسنده وضعیت حکومت اسلامی را بسیار اسفبار توصیف کرده و اعراب را وحشی، بی‌رحم و طماع خطاب می‌کند. بنابراین رویکردی انکاری نسبت به اسلام داشته و نه تنها آن را ابزار مجازات خداوند می‌داند بلکه از مسلمانان نیز بعنوان قومی تندخو و درنده یاد می‌کند.

### اسلام به عنوان پیشاهنگ ظهور مسیح

چنان‌که در متن منسوب به افرایم جعلی مشاهده شد (Thomas, and Roggema, 2009:160-162) در برخی روایت‌ها مسلمانان صرف نظر از سایر توصیفاتی که به ایشان

1. Bernd Witte



منسوب می‌شود، در برنامه خداوند حضور پیدا می‌کنند تا ناخواسته زمینه ظهور مسیح را فراهم کرده باشند. در متون مربوط به ظهور مسیح به واسطه دخالت مسلمانان در تاریخ نجات خداوند، می‌توان هم‌زمان هر سه عنصر پیش گفته را مشاهده کرده و گاهی صرفاً همین مضمون خاص مشاهده می‌شود. عمده تاریخ‌نگاری‌های کلامی - مذهبی مربوط به این دوره که با ارجاع به متون آخرازماتی عهد قدیم تدیون شده‌اند در همین دسته می‌گنجد. برای نمونه مکاشفه متودیوس جعلی که در میانه قرن هفتم تدوین شده است از همین قبیل است. او احتمالاً یک راهب سوری بوده که در شهر سنجار زیست می‌کرده و به علت سکونت در مرزهای ایران و در قلمرو اسلام، سعی داشته از اختلافات مسیح‌شناسانه پرهیز کند. نام اصلی نوشته او احتمالاً موعظه در جانشینی شاهان و آخرازمان<sup>۱</sup> بوده که نام مدرنش مکاشفه متودیوس جعلی است. متن این اثر نیز احتمالاً در سال ۶۹۱ یا ۶۹۲ به زبان سریانی به رشته تحریر درآمده است.

متن اثر که شامل چهارده کتاب است دریافت موعظه‌هایی از متودیوس اسقف لیکیه<sup>۲</sup> بوده است. علت این که متودیوس به عنوان نویسنده این متن انتخاب شده است شاید به سبب ایده‌های هزاره‌گرایانه و شهادت او بوده باشد. چنان که از عنوان اولیه برمی‌آید متن تاریخ آدم تا پایان دوران را شامل می‌شود و تاریخ سیاسی توالی خلافت شاهان است. ایده اصلی کتاب تقسیم تمام تاریخ به دو بخش اصلی است یکی پادشاهی رومی یونانی از اسکندر کبیر تا امپراتوری بیزانس و دیگری که آخرین پادشاهی است و هنوز نیامده است. کتاب به دو بخش تاریخی و نبوتی تقسیم می‌شود. بخش نبوتی که به سبک کاتولیکی تألیف شده است، زوال امپراتوری فارس و فتوحات اعراب را پوشش می‌دهد و سپس بخش نبوتی آخرازماتی آن با ظهور شاه یونانی‌ها آغاز شده و با شکست از سپاه اسلام و بازگشت دوباره مسیح خاتمه می‌یابد. متودیوس ادعایی تاریخ را به هزاره‌های مختلفی تقسیم می‌کند که در هفتمی و هشتمی به عنوان هزاره پایانی امپراتوری فارسی سقوط می‌کند. هزاره آخر به سبک کتاب دانیال پیش رفته است. با این الگو نویسنده میان حکومت اعراب مسلمان با حکومت مدینی‌ها (کتاب داوران، ۶-۸) در هزاره پنجم ارتباط برقرار می‌کند که آنها نیز به عنوان فرزندان اسماعیل معین

1. Mēmra' al yubbālā d-malkē w-'al harat zabnā, Homily on the succession of kings and on the end of time. Modern title: The Apocalypse of PseudoMethodius

2. Lycian city

شده‌اند. (۵: ۱-۹) بنابراین نقش اعراب بنی‌اسماعیل در قبال اسرائیل همانند نقش مدینی‌ها در قبال مسیحیان است و بنابراین هم‌چون گیدئون در کتاب داوران شاه یونانی برخواهد خواست و ایشان را نابود خواهد کرد در زمانی که ایشان جرات کردند اعلان نمایند که مسیح منجی نیست.

یاجوج و ماجوج شخصیت‌های آخرالزمانی که توسط بانی پادشاهی چهارم بالاتراز «دروازه‌های شمال»<sup>۱</sup> محصور شده‌اند، آزاد شده و جهان را در حین آخرین پادشاهی‌اش تاراج می‌کنند. پس از شکست آن دو توسط فرشتگان، پادشاهی چهارم به پایان می‌رسد. سپس شاه یونانی‌ها به کالواری (جلجتا) که در آن جاتاج او بر صلیبی قرار دارد آمده و به بهشت برده می‌شود و بدین‌سان مزبور ۳۲: ۶۸ به انجام می‌رسد که «قدرت کوش<sup>۲</sup> به خداوند می‌رسد». اگر برداشت متودیوس از کوش درست باشد نشانگر آن است که مسیحیان سوریه در انتظار آخرالزمانی خویش منتظر آمداد مسیحیان کوش برای قلع و قمع قلمرو اعراب مسلمان بودند. متودیوس جعلی اعراب مسلمان را به عنوان رژیم سرکوبگر مشرکی ترسیم می‌کند که مسیحیان دروغین را از مسیحیان حقیقی سوا می‌کند همانند جدا شدن بزها از گوسفندان. این تفسیر بیانگر علت جدایی برخی مسیحیان مرتد شدن‌شان و گرایش‌شان به اسلام بود که ظاهراً در اثر سیاست‌های خلیفه اموی «عبدالمالک» در حال اجرا بود، چرا که بر اثر اصلاحات مالیاتی سال ۶۹۱ که به دستور خلیفه انجام شد مالیات‌های اضافی برای غیرمسلمانان رو به تزاید بود و همین امر بسیاری را به اسلام سوق داد. مسیحیان در این زمان آرزوی نابد حکومت اسلامی اموی را در سر داشتند چرا که عبدالمالک مسجد قبه الصخره را نیز در محل معبد ساخته بود و بنابراین امیدوار بودند در نبرد مختار حکومت اسلامی از میان برود. مفاهیم و اصول اساسی به کار رفته توسط مؤلف در این اثر منکر هرگونه تفوق سیاسی مذهبی مورد ادعای اسلام است. برخی معتقدند که اثر در پی نفی ورد اسلام نیست و اساساً در مواجهه جدلی با اسلام تحریر نشده است بلکه در پی تحریک و تحریض مسیحیان به مسیحیت و پشت نکردن به دین اصلی‌شان است. این کتاب به سرعت در میان تمام مسیحیان شرق و غرب سوریه منتشر شد و بلافاصله پس از تألیف با استقبال خوبی مواجه شد کما

1. Gates of the North

۲. پادشاهی کوش دولتی باستانی در آفریقا بود. شاهان کوش به مدت یک قرن به عنوان فرارنه دودمان بیست و پنجم مصر حکومت کردند تا این‌که پسامتیک یکم در ۶۵۶ قبل از میلاد آنان را از مصر بیرون راند.

این که بزودی به یونانی و از یونانی به لاتین ترجمه شد. شدت اثر این کتاب را می‌توان در آثار همان دوره مانند انجیل دوازده رسول، افسانه بحیرا و مکاشفه ادسایبی مشاهده کرد. علاوه بر این کتاب به ترسیم چهره مسلمین در میان مسیحیان مصر و سوریه و اتیوپی و ارپا و... در ادبیات آخرازماتی کمک بسیاری کرد (Thomas, and Roggema, 2009:163-170).

### اسلام ابزار یهود

در یک خرده الگوی دیگر ذیل ادبیات مکاشفه‌ای، می‌توان انتساب اسلام به دسیسه چینی یهودیان را مشاهده کرد که در این دست مکتوبات، مدافعه‌نویس مسیحی همزمان دشمنی با یهودیت را نیز به کار گرفته و از سابقه تاریخی این خصومت بهره می‌برد. در این الگوی ارتباطی نیز توهین به مقدسات اسلامی رواج دارد و در مواردی استفاده از ادبیات رازورزانه و مکاشفه‌ای در کنار الهیات رنج نمایان است. در این دست مکتوبات مسلمانان به عنوان «یهودیان جدید» معرفی می‌شوند (Thomas, and Roggema, 2009:520) که پس از به صلیب کشاندن عیسی، در صدد به صلیب کشاندن و نابودی دستاورها و تعالیم او هستند.

این خرده الگو نیز همانند خرده الگوی قبل، از همان قرن هفتم و ظهور اسلام در مکتوبات مسیحی علیه اسلام نمایان شد. تیم گرینوود<sup>۱</sup> در بررسی کتاب تاریخ سبتوس ارمنی<sup>۲</sup> مربوط به قرن هفتم در رابطه با موفقیت‌های سرزمینی و ایمانی مسلمانان، به برداشت سبتوس از ظهور و فتوحات اسلام اشاره کرده است. گرینوود با پرداختن به ریشه‌های غیروحيانی اسلام، در این رابطه می‌نویسد:

سبتوس دو تفسیر از توسعه مذهبی و سیاسی قلمرو مسلمانان ارائه کرده است، در تفسیر نخست موفقیت مسلمانان به شورش نافرمانان یهودیان ادسا قرین می‌شود. در این تفسیر یهودیان اخراج شده به بیابان‌ها با بنی‌اسماعیل تماس یافته و با فاصله زیاد، بحث‌ها و تلاش‌های ایشان منجر به دخالت حضرت محمد ﷺ شد. در تفسیر دوم اسلام و پادشاهی اسماعیل با جانور پیش‌بینی شده در دانیال ۷:۲۳ تطبیق داده می‌شود که تمام جهان را تصرف خواهد کرد. حتی در یکی از فقرات

1. Tim Greenwood  
2. The History of Sebeos

معاویه خادم ضد مسیح توصیف شده و بیان می‌شود که آخرالزمان نزدیک است (Thomas, and Roggema, 2009:141-143).

در این متن چنان که گرینوود نشان داده است، هم ادبیات آخرالزمانی وجود دارد که اسلام در آن به جانوری که ضد مسیح است تشبیه شده و هم ظهور و پیروزی‌های اسلام را با تلاش آژانس یهودی و غیرمسیحی پیوند می‌زند. طبیعتاً این رویکرد موجب استخراج الگوی انکار می‌شود، چرا که اسلام را نه به لحاظ الهیاتی و نه از جهت غیر الهیاتی مشروع نمی‌داند.

در برخی متون نیز نه تمام تعالیم و ریشه اسلام بلکه برخی از تعالیم به گونه‌ای معرفی می‌شوند که از یهود وام گرفته شده‌اند و در نتیجه مسیحیان بایستی به رد این تعالیم اسلامی بپردازند چرا که به روز شده همان تعالیم یهودی بوده و از همان آموزه‌ها اخذ شده‌اند. باربارا روگما در ارائه مثالی برای این برداشت به یکی از باورهای مسلمانان راجع به منجی اشاره کرده و تطبیق حضرت محمد ﷺ با پراکلیتوس در انجیل یوحنا را در نتیجه تلاش‌های کعب الاحبار می‌داند که پیشتر از یهودیت به اسلام گرویده است (Thomas, and Roggema, 2009:401-402).

### نتیجه‌گیری

روابط اسلام و مسیحیت با توجه به فضای حاکم بر جوامع مسیحی و اسلامی سیر پرفراز و نشیبی داشته است. گاهی صرف تدین به دین دیگر موجب حلیت عرض و خون و مال پیروان دین رقیب می‌شد و گاهی بیشترین محبت و ملاحظت در هم‌زیستی پیروان دو دین مشاهده شده است. نوشته‌های رد و بدل شده میان هر دو طرف نیز بسته به همین اوضاع در تغییر بوده است.

این روابط در قالب الگوهای ارتباطی از انکار و به تبع آن در مقام دفاع برآمدن گرفته تا پذیرش الهیاتی دین رقیب و سپس انطباق و سازگاری با دین دیگر در مقام اندیشه و عمل امتداد داشته است. این روند ارتباطی از یک قاعده از پیش تنظیم شده پیروی نکرده است. با توجه به این که روابط میان اسلام و مسیحیت در طول تاریخ مواجهه این دو دین طی چهارده قرن دستخوش فراز و فرودهایی بوده است و این امر گاه متأثر شرایط اعتقادی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بوده است و گاهی تحت تأثیر مسائل بیرون از این

دودین مانند مسائل یهودیان و با توجه به این که این دودین بیشترین شمار پیروان را در سطح جهان دارند و مناسبات آنها بر جمعیت عظیمی از مؤمنان هر دودین اثرگذار است، دانشگاه بیرمنگام با همکاری پنجاه و سه استاد و بیش از صد محقق دیگر اقدام به بازخوانی روابط مکتوب این دودین تحت عنوان پروژه کتاب شناسی روابط مسیحی مسلمان<sup>۱</sup> CMR<sup>۱</sup> نموده است.

یکی از گونه‌های ادبیات کلامی که در بدو ظهور حکومت اسلامی ظهور کرد و در سال‌های بعدی نیز در مناطق تحت سلطه مسلمانان ادامه داشت، ادبیات رازورزانه و مکاشفه‌ای بود تا مسیحیان بتوانند در برتواین ادبیات به بیان مافی الضمیر خویش نسبت به اسلام و تعالیم آن پردازند بدون این که در این مسیر با مزاحمت‌های مسلمانان مواجه شوند.

در بررسی این متون مشخص شد که چهارنوع نگاه به اسلام در این متون وجود داشته است که بسته به شرایط زمانی و جغرافیایی شدت ضعف داشته است. در برخی از این اسلام به عنوان طرح نجات خداوند برای قوم خدا نگریسته شده تا مؤمنان مسیحی را از دست حکومت‌های مشرک و یا مسیحیان شکنجه‌گرهایی بخشند. در برخی دیگر اسلام به عنوان ابزار خداوند معرفی می‌شود که آمده است تا مسیحیانی که غرق در گناه شده و مسیح را فراموش کرده‌اند تنبیه نماید. در مضمونی دیگر مسلمانان و اسلام مطابق با پیشگویی‌های عهد قدیم آمده است تا در تاریخ نجات نوبت به پادشاهی خداوند و ملکوت مسیح برسد و از این منظر ایشان به عنوان پیشاهنگان ظهور دوم مسیح در نظر گرفته می‌شوند. در نگاهی خصمانه‌تر و در مضمونی دیگر مسلمانان به عنوان دسیسه یهود جهت ضربه زدن به مسیحیت در نظر گرفته می‌شوند که با توطئه ایشان در مقابل مسیحیت قد علم کرده‌اند. البته در برخی از این متون صرفاً به یک مضمون اشاره نشده و ممکن است چند مضمون در کنار هم قرار گرفته باشند.

## منابع

- ریچاردز، گلن، رویکردهای مختلف به پلورالیزم دینی (به سوی الاهیات ناظر به همه ادیان)، ترجمه رضاگندمی نصرآبادی واحمدرضا مفتاح، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان مذاهب، ویرایش دوم، زمستان ۱۳۸۳.
- Thomas, David and Mallett, Alexander, Christian-Muslim Relations. A Bibliographical History. Volume 3 (1050-1200), Brill, 2011.
  - Thomas, David and Roggema, Barbara, Christian-Muslim Relations. A Bibliographical History. Volume 1 (600-900), Brill, 2009.
  - Renard, John, Islam and Christianity: Theological Themes in Comparative Perspective, California: University of California Press, 2011.
  - Friedmann, Yohanan, Tolerance and Coercion in Islam: Interfaith Relations in the Muslim Tradition, NY, Cambridge University Press, 2003.
  - Bennett, Clinton, Understanding Christian-Muslim Relations: Past and Present, New York, Continuum, 2008.
  - Herriot, Peter, Religious Fundamentalism\_ Global, Local and Personal, Routledge, 2009.
  - Thomas, David and Chesworth, John, Christian-Muslim Relations. A Bibliographical History. Volume 12, Brill, 2018.